

شیعه‌شناسی: ضرورت‌ها و رسالت‌ها

آیه‌الله محمدتقی مصباح یزدی*

احیای اسلام و تشیع فدا کرده‌اند، امکانات بیشتر برای خدمت‌گزاری به اسلام و تشیع و برخوردار شدن از انوار معارف اهل بیت علیهم‌السلام بیش از همه جای دنیا فراهم شده است. این نعمتی است که به هیچ وجه توان ارزیابی آن را نداریم، چه برسد به شکرگزاری‌اش را.

به گمان بنده، در میان همه ادیان و فرق، هیچ دین و مذهبی غریب‌تر از مذهب شیعه نیست و در میان رهبران مذاهب - به شهادت تاریخ و به شهادت تاریخ‌شناسان - کسی به غربت علی ابن ابی طالب علیه‌السلام نمی‌رسد. و شاید این میراثی است که برای شیعیان باقی خواهد بود تا زمانی که صاحب امر ظهور بفرمایند و اسلام و تشیع را از غربت نجات دهند. ما در طول این چهارده قرن، کسانی را داشته‌ایم که حقیقتاً در عالم

بسم‌الله الرحمن الرحیم. الحمدلله رب العالمین و صلی‌الله علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین. اللهم کن لولیك الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آباءه فی هذه ساعة و فی کل الساعة و لیا و حافظاً و قائداً و ناصرأ و دلیلاً و عیناً حتی تُسکنه أرضک طوعاً و تُمتّعه فیها طویلاً.

تشیع و غربت آن در عصر حاضر

خدا را شکر می‌کنم که در عصری زندگی می‌کنیم و در شرایطی که زمینه رشد معرفت نسبت به حقایق اسلام و حقایق تشیع فراهم شده و بخصوص در این کشور اهل بیت علیهم‌السلام به برکت فداکاری‌های علمای بزرگ، به ویژه رهبر عظیم‌النشان، امام راحل رحمته‌الله، و یاری مردم مخلصی که جان‌های پاک خود را برای

*- متن فوق سخنرانی آیه‌الله مصباح یزدی - ریاست عالیّه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله - به تاریخ ۸۱/۱/۲۹ در شیعه‌شناسی می‌باشد.

کنیم آن را به جهانیان معرفی نماییم و در نهایت، سعی کنیم آن را در همه عالم به اجرا درآوریم و دست کم مقدمات بعیده‌اش را فراهم کنیم. این کارها هر کدام بار بسیار سنگینی است که اگر مجموعش را حساب کنیم، فکر نمی‌کنم در عالم تکلیف، باری به این سنگینی وجود داشته باشد.

وقتی تصمیم گرفتیم تشیع را خودمان بهتر بشناسیم تا بعد نوبت به سایر مراحل برسد، وارد یک دریای بیکران می‌شویم و می‌بینیم آنقدر ابعاد گسترده‌ای دارد که به هر گوشه‌اش بیندیشیم، از عظمت و وسعت، آن‌چنان است که ما را مبهوت می‌کند. و جای تعجبی نیست؛ زیرا بالاترین رحمت الهی برای انسان‌ها اسلام است که خدا برای نجات همه انسان‌ها تا روز قیامت نازل کرده و حقیقت تشیع چیزی جز اسلام واقعی نیست و اگر اسلام برای سعادت همه انسان‌ها، در همه مکان‌ها و در همه زمان‌ها نازل شده، بار مسئولیتش به دوش حاملان اسلام است که ما خود را حاملان واقعی آن می‌دانیم؛ زیرا پیروان اهل بیت علیهم‌السلام هستیم.

در بخش‌هایی از معارف اهل

نمونه بوده‌اند. شاید اگر بارزترین آن‌ها را بخواهیم نام ببریم اصحاب سیدالشهداء علیهم‌السلام هستند. در میان علما هم بوده‌اند کسانی که تمام عمرشان را خالصانه، مخلصانه و سخاوتمندانه در راه شناختن عالم تشیع و ترویج مذهب حق سپری کرده‌اند و در این راه از هیچ چیز فروگذار ننموده‌اند.

تکلیف شیعه در عصر حاضر

به هر حال، ما که از نعمت معرفت اهل بیت علیهم‌السلام برخوردار شده‌ایم و می‌گوییم: «... أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ وَ رَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»، در مقابل این نعمت عظیم، که نصیبمان شده، تکلیف بزرگی هم به گردنمان آمده، و این تناسبی است که بین نعمت و تکلیف وجود دارد: هر کس نعمتش بیشتر است، تکلیفش هم بیشتر است. شاید در میان مکلفان عالم هیچ‌کس بارش به اندازه ما سنگین نباشد. ما باید نخست این میراث عظیم را درست بشناسیم، بعد سعی کنیم آن را در زندگی فردی خودمان و سپس در زندگی اجتماعی مان پیاده بکنیم، آن‌گاه سعی

می‌دانند که فعالیت‌های زیادی برای شیعه‌شناسی در امریکا انجام می‌گیرد. ولی خود ما، که عاشق اهل بیت علیهم‌السلام و حامل میراث آن‌ها هستیم، از این فعالیت‌ها غافلیم. آن‌ها غیرمستقیم از کارهای ما هم استفاده می‌کنند، در حالی که ما کارهایمان پراکنده و بی‌نظم و بی‌برنامه و بی‌سامان است. آن‌ها با شیطنت‌هایی که دارند از میان ما کسانی را انتخاب می‌کنند و به صورت‌های گوناگون از آن‌ها سوء استفاده می‌کنند. به هر حال، به این بخش کم‌تر توجه شده که البته یک بخش نیست، بلکه طیفی از فعالیت‌هاست.

از برکات برقراری نظام اسلامی در این کشور، تشکیل مجامع و مؤسسات تحقیقاتی است که زمینه را برای فعالیت محققان فراهم می‌نماید. متأسفانه کسانی که باید از این فرصت‌ها استفاده کنند، بعضی‌هاشان امثال بنده هستند که هم از لحاظ بضاعت علمی و هم از لحاظ توانایی جسمی و فکری و هم از جهات دیگر بسیار ضعیف و ناتوان هستند. از خدا می‌خواهیم که این احسان را خودش اتمام بفرماید؛ بر ما منت بگذارد که اشخاصی با انگیزه، پرتلاش، پرانرژی،

بیت علیهم‌السلام، تلاش‌های چشمگیری شده است، بخصوص در روبرویی با مخالفان و کسانی که تعمد داشتند نسبت به مذهب شیعه موضع منفی داشته باشند. در مقابل آن‌ها، انگیزه‌ای قوی در علما و بزرگان ما به وجود آمده که تلاش‌های چشمگیر و خستگی‌ناپذیری را متحمل شوند. نمونه‌اش در عصر ما، تلاشی است که علامه بزرگوار، مرحوم آقای امینی رحمته‌الله، انجام داد. شکرالله سعه و حشره مع موالیه. در گذشته هم نظیر این‌ها بوده و البته با فراهم شدن امکانات جدید برای تحقیق، باید بر این تلاش‌ها افزوده شود و راه برای تحصیل آیندگان بهتر باز شود. در این زمینه‌ها هم کسانی مشغول هستند و دعا می‌کنیم که خدا بر توفیقات آن‌ها بیفزاید.

ولی ما به بعضی ابعادش کمتر توجه کرده‌ایم. در اطراف جهان، افراد زیادی بخصوص به ابعاد شیعه‌شناسی پرداخته‌اند و مراکزی برای شیعه‌شناسی در دنیا تأسیس شده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها در دشمن‌ترین کشورها نسبت به اسلام و تشیع وجود دارد و شاید خیلی‌ها ندانند که یکی از مراکز بزرگ شیعه‌شناسی در اسرائیل است، و نیز همه

قطعه‌ای را انتخاب کرده‌ام که نسبت به هدفی که در نظر داریم و بیان موقعیت اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به اسلام، می‌تواند راهگشا باشد؛ چون بسیاری هستند که شیعه را فقط به نام یک فرقه می‌شناسند. فرقه‌ها در عالم زیادند. برخی دوست دارند - مثلاً - درباره‌ی یک فرقه در افریقا، یا در ژاپن و یا در چین تحقیق کنند، عده‌ای هم درباره‌ی شیعه تحقیق می‌کنند و یک پدیده‌ی تاریخی را بررسی می‌کنند. کسان دیگری هم با گرایش‌های مختلف جامعه‌شناختی، سیر تحولات پیدایش این جمعیت و این فرقه را بررسی می‌کنند که از اول چگونه شروع شد و بعد چه تحولاتی پیدا کرد و چه آثاری بر جوامع بخشید و چه تأثراتی از جوامع پذیرفت. همه‌ی این کارها کارهای خوبی است.

ضرورت شناخت اهل بیت علیهم‌السلام

اما این چه اصراری است که ما حتماً باید اهل بیت علیهم‌السلام را بشناسیم؟ امام زمان‌مان را بشناسیم؟ «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»^(۱) پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بستگان زیادی داشتند، یکی از آنها علی علیه‌السلام بود. پیروان پیغمبر اکرم و کسانی که خالصانه و مخلصانه

آگاه و زمان‌شناس به این مجامع و مؤسسات ملحق شوند و از امکاناتی که هر چند محدودند، بهره‌برداری کنند و برای انجام تکلیف سنگینی که اشاره کردم - که سنگین‌ترین تکالیف است که در این زمان بر عهده‌ی انسان آمده - استفاده کنند. از امثال بنده دیگر گذشته است، ولی عزیزانی که در سنین جوانی هستند و قدرت بدنی و فکری دارند، باید این فرصت‌ها را غنیمت بشمارند و با توکل بر خدا و توسل به خود اهل بیت علیهم‌السلام، قدم‌های برجسته‌ای در این راه بردارند و دینی را که به اسلام و تشیع دارند ادا کنند. محور تشیع امیرالمؤمنین علیه‌السلام است و یکی از غربت‌های ایشان این است که کلماتشان هم مهجور مانده. با وجود موقعیت عظیمی که نهج‌البلاغه در عالم دارد، اما خود بنده با این‌که قریب هفتاد سال از عمرم گذشته است، بسیار کم از این کتاب شریف و از سایر کلمات اهل بیت علیهم‌السلام، بخصوص کلمات خود امیرالمؤمنین علیه‌السلام، استفاده کرده‌ام. به نظرم آمد حالا که گرد هم آمده‌ایم جمله‌ای از نهج‌البلاغه بخوانم، بلکه نوریّت کلمات امیرالمؤمنین علیه‌السلام در قلوب ما بتابد؛ آنها هم که قلب نورانی دارند، نورانی‌تر شوند.

درباره حضرت علی علیه السلام آمده است که «سَدُّ الْاِبْوَابِ الْاَبَاهُ»^(۲) چه خصوصیتی دارد که اهل بیت علیهم السلام حق داشتند - مثلاً - با حال جنابت وارد مسجد شوند، بر خلاف دیگران؟ یا تدبیرهای زیاد دیگری که برای معرفی حضرت علی علیه السلام به عنوان جانشین پیامبر اندیشیده شده؛ مانند داستان «یوم الازدار» و دیگر معرفی‌ها که تا روزهای آخر و تا لحظات آخر عمر پیامبر ادامه داشت. این‌ها چه خصوصیتی دارند؟

بدون شک، ما احتمال دیگری نمی‌توانیم بدهیم که این تدابیر حکیمانه جز برای هدایت انسان‌ها بوده باشند؛ یعنی اگر ممکن بود از راه دیگری انسان‌ها با سعادتشان آشنا شوند و راه تقرّب به خدا و کمال انسانیت را جز از راه اهل بیت علیهم السلام پیدا کنند، این همه بر این موضوع تأکید نمی‌شد. به هر حال، این سؤال جدی مطرح است و متأسفانه امثال بنده زیاد تلاش نکرده‌ایم تا این سؤال را خوب جواب بدهیم که شیعیان قانع شوند.

می‌خواستند اسلام را بشناسند و به آن عمل کنند کم نبودند، الان هم کم نیستند. در میان اهل تسنن، در گوشه و کنار دنیا، افرادی هستند که واقعاً می‌خواهند اسلام را بشناسند و بدان عمل کنند. منتها شرایط اجتماعی به آن‌ها اجازه نمی‌دهد و باور نمی‌کنند غیر از آنچه اسلاف و بزرگان‌شان گفته‌اند، راه دیگری وجود داشته باشد. بخصوص با تبلیغات سوئی که علیه تشیع شده است. چه خصوصیتی دارد که ما باید این دوازده نفر را به اسم بشناسیم و معتقد باشیم که این‌ها امام هستند؟ آیا مسئله فقط همین است؟

همین که شب اول قبر از ما بپرسند امام اول که بود، بگوییم علی؛ همین؟ خلقت آسمان و زمین و این همه تلاش انبیا علیهم السلام برای همین بود که من دوازده اسم یاد بگیرم و نسبت به بعضی‌هایشان محبتی داشته باشم؟ اگر سرّ این تأکید بر پیروی از علی علیه السلام، که از روز اول به صورت‌های گوناگون مطرح شده است، بررسی شود، واقعاً از عجایب تدبیرهای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است و حتماً به الهام خداوند بوده که از همان روز اول در معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر اهل بیت علیهم السلام آن تدبیرها را اندیشیدند.

راز بعثت نبی اکرم ﷺ در سخن حضرت علی علیه السلام

من قطعه‌ای از نهج البلاغه انتخاب کرده‌ام که در آن، حضرت علی علیه السلام سرّ بعثت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و اصلاً نزول اسلام را بیان می‌کند. در پایان هم انحرافات را که در اسلام پیدا شده‌اند و پیدا خواهند شد و راه نجات را، که تمسک به طریق اهل بیت علیهم السلام است، بیان کرده‌اند:

«فَبَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَىٰ عِبَادَتِي، وَ مِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ إِلَىٰ طَاعَتِي، يَقْرَأُ بِنِهَايَةِ قَدِّ بَيْتِي وَ أَحْكَمِهِ، لِيَعْلَمَ الْعِبَادُ رَبَّهُمْ إِذْ جَهَلُوا، وَ لِيَعْرِفُوا بِه بَعْدَ إِذْ جَحَدُوا، وَ لِيُنْبِشُوا بَعْدَ إِذْ أَنْكَرُوا. فَتَجَلَّى لَهُمْ - سُبْحَانَهُ - فِي كِتَابِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا رَأَوْهُ بِمَا أَرَاهُمْ مِنْ قُدْرَتِي، وَ خَوْفَهُمْ مِنْ سَطْوَتِي، وَ كَيْفَ مَحَقَّ مَنْ مَحَقَّ بِالْمَثَلَاتِ، وَ اخْتَصَدَ مَنْ اخْتَصَدَ بِالنِّقْمَاتِ.

وَ إِنَّهُ سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي زَمَانٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ أَخْفَىٰ مِنْ الْحَقِّ، وَ لَا أَظْهَرَ مِنَ الْبَاطِلِ، وَ لَا أَكْثَرَ مِنَ الْكُذْبِ عَلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ، وَ لَيْسَ عِنْدَ أَهْلِ ذَلِكَ الزَّمَانِ سِلْعَةٌ

أَبْوَرُ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تُلِيَ حَقٌّ تِلَاوَتِهِ، وَ لَا أَنْفَقَ مِنْهُ إِذَا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ، وَ لَا فِي الْبِلَادِ شَيْءٌ أَنْكَرَ مِنَ الضُّعُوفِ، وَ لَا أَعْرَفَ مِنَ الْمُتَنَكَّرِ. فَقَدْ نَبَذَ الْكِتَابَ حَمَلَتُهُ، وَ تَنَاسَاهُ حَفَظَتُهُ. فَالْكِتَابُ يَوْمِنِيذٍ وَ أَهْلُهُ طَرِيدَانِ مَنْفِيَانِ، وَ صَاحِبَانِ مُصْطَلِحَانِ فِي طَرِيقٍ وَاحِدٍ، لَا يُزَوِّيهِمَا مُؤْوٍ. فَالْكِتَابُ وَ أَهْلُهُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ فِي النَّاسِ وَ إِنْ اجْتَمَعَا، فَاجْتَمَعَ الْقَوْمُ عَلَى الْفُرْقَةِ، وَ افْتَرَقُوا عَنِ الْجَمَاعَةِ، كَانَتْهُمْ أَيْمَةُ الْكِتَابِ وَ لَيْسَ الْكِتَابُ إِمَامَهُمْ، فَلَمْ يَبْقَ عِنْدَهُمْ مِنْهُ إِلَّا اسْمُهُ، وَ لَا يَعْرِفُونَ إِلَّا خَطَأً وَ زَبْرَةً. وَ مِنْ قَبْلِ مَا مَثَلُوا بِالصَّالِحِينَ كُلِّ مِثْلَةٍ، وَ سَمَوْا صِدْقَهُمْ عَلَى اللَّهِ فِرْيَةً، وَ جَعَلُوا فِي الْحَسَنَةِ عُقُوبَةَ السُّبُوتِ. وَ إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِطُولِ آمَالِهِمْ، وَ تَغْيِبِ آجَالِهِمْ، حَتَّى نَزَلَ بِهِمُ الْمَوْعُودُ الَّذِي تَرَدُّ عَنْهُ الْمُعْذِرَةُ، وَ تَرْفَعُ عَنْهُ التَّوْبَةُ، وَ تَحُلُّ مَعَهُ الْفَارِغَةَ وَ النَّقْمَةَ.

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّهُ مِنَ اسْتَنْصَحَ اللَّهُ وَفَّقَ، وَ مَنْ اتَّخَذَ قَوْلَهُ دَلِيلًا هُدَىٰ لِلتَّى هِيَ أَقْوَمُ، فَإِنَّ جَارَ اللَّهِ

خود بیاورد؛ به وسیله قرآنی که معنایش را روشن و بنیانش را استوار کرد، تا بندگان خدای خود را پس از جهل به او بشناسند، و پس از انکار (زبانی) او به وجودش اقرار نمایند، و پس از انکار (قلبی) او وجودش را ثابت بدانند. خداوند سبحان بدون این‌که او را ببیند، خود را در قرآن به وسیله آیات قدرتش نشان داد، و آنان را از سطوتش بیم داد، و چگونگی هلاکت اقوام را به کیفرها، و درو شدنشان را به عذاب‌ها ارائه نمود.

پس از من، به زودی بر شما روزگاری رسد که در آن چیزی پنهان‌تر از حق، و آشکارتر از باطل، و فراوان‌تر از دروغ به خدا و پیامبرش نباشد. نزد مردم آن زمان، اگر قرآن را به درستی تلاوت کنند، متاعی کساده‌تر از آن یافت نشود، و اگر در معانی آن تحریف ایجاد کنند، کالایی رواج‌تر از آن نباشد، و در شهرها چیزی بدتر از معروف و بهتر از منکر پیدا نشود. قرآن را

آمِنٌ، وَ عَدُوَّهُ حَائِفٌ. وَإِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ عَظَمَةَ اللَّهِ أَنْ يَتَعَظَّم، فَإِنَّ رِفْعَةَ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ مَا عَظَمَتُهُ أَنْ يَتَوَاضِعُوا لَهُ، وَ سَلَامَةَ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ مَا قُدْرَتُهُ أَنْ يَسْتَسْلِمُوا لَهُ. فَلَاتَنْفِرُوا مِنَ الْحَقِّ نِفَارَ الصَّحِيحِ مِنَ الْأَجْرَبِ، وَ الْبَارِي مِنَ ذِي السَّقَمِ. وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرُّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكَّهُ، وَ لَنْ تَأْخُذُوا بِمِيثَاقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَقَضَهُ، وَ لَنْ تَمَسَّكُوا بِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَبَذَهُ. فَالْتَمِسُوا ذَلِكَ مِنْ عِنْدِ أَهْلِهِ، فَإِنَّهُمْ عَيْشُ الْعِلْمِ وَ مَوْتُ الْجَهْلِ، هُمْ الَّذِينَ يُخْبِرُكُمْ حُكْمُهُمْ عَنْ عِلْمِهِمْ، وَ صَمَتُهُمْ عَنْ مَنْطِقِهِمْ، وَ ظَاهِرُهُمْ عَنْ بَاطِنِهِمْ، لَا يُخَالِفُونَ الدِّينَ وَ لَا يَخْتَلِفُونَ فِيهِ، فَهُوَ بَيْنَهُمْ شَاهِدٌ صَادِقٌ، وَ صَامِتٌ نَاطِقٌ» (۳)

«خداوند محمد - صلی الله علیه و آله - را بحق برانگیخت تا بندگان را از حلقه پرستش بتها درآورده، به مدار عبادت خود وارد کند، و از طاعت شیطان نجات داده، به گردونه طاعت

حاملانش کناری اندازند، و حافظانش آن را از یاد ببرند. در آن روز، قرآن و تابعان حقیقی‌اش مطرود و در تبعیدند، و چون دو یار همراه در یک راهند، که پناه‌دهنده‌ای آن دو را پناه ندهد. بنابراین، کتاب و اهلش در آن زمان میان مردمند اما بین آن‌ها نیستند، و با مردمند ولی با آنان نمی‌باشند؛ چرا که گمراهی با هدایت توافقی ندارند، گرچه یک جا جمع شوند. آن مردم در تفرقه متحد، و از جماعت رویگردانند، گویی آنان پیشوای قرآنند، نه قرآن پیشوای آنان. از این‌رو، از قرآن نزد آنان جز اسمی نماند، و از کتاب خدا جز خط و نوشته‌ای نشناسند. پیش از این نیکوکاران را به هر عقوبتی دچار کردند، و صدق آنان را بر خدا بهتان نامیدند، و کار نیکشان را کیفر بد دادند.

کسانی که پیش از شما بودند به طول آرزوهایشان و نهان بودن زمان مرگشان به معرض هلاکت درآمدند، تا مرگشان

رسید؛ مرگی که با فرارسیدن آن عذرخواهی پذیرفته نمی‌گردد، و فرصت توبه از دست می‌رود، و به سبب آن سختی جان‌کندن و عذاب برآدمی فرود می‌آید.

ای مردم! بدون شک آنکه خیر خود را از خدا خواهد موفق گشته، و هر که گفتار حق را دلیل خود قرار دهد به استوارترین راه هدایت شده؛ زیرا که قطعاً پناهنده خدا در امان، و دشمن خدا هراسان است. و آنکه عظمت حق را شناخت، شایسته نیست خود را بزرگ شمارد؛ زیرا بزرگی آنان که به عظمت حق معرفت دارند این است که در برابر او فروتنی کنند، و سلامت آنان که از قدرت حق آگاهند این است که تسلیم او باشند. پس از حق نگریزند، آن‌گونه که سالم از کچل، و تن‌درست از بیمار می‌گریزد، و بدانید راه حق را نشناسید، مگر کسانی را که آن را ترک کردند بشناسید، و پیمان قرآن را محکم نگیرید، مگر به آنان که عهد کتاب را شکستند

بی‌نوشت‌ها

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۶۸
۲. همان، ج ۳۳، ص ۲۱۹
۳. امام علی علیه السلام، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۷، ترجمه حسین انصاریان، تهران، پیام آزادی، ج اول، ۱۳۷۷، ص ۳۲۰



شناخت پیدا کنید، و متمسک به آن نشوید، مگر به وضع آنان که آن را به جانبی انداختند معرفت پیدا نمایید. همه این واقعیات را از اهلس (که اهل بیت پیامبرند) بخواهید؛ زیرا آنان حیات علم و مرگ جهلند؛ آنان که سخنان حکیمانه‌شان شما را از دانششان، و سکوتشان از گفتارشان، و ظاهرشان از باطنشان خبر می‌دهد، نه در مخالفت با دین‌اند و نه در دین اختلاف می‌کنند. دین در میان اهل بیت گواهی است راستگو، و ساکتی است گویا.»

امیدواریم که بویی از این سیره و سنت اهل بیت علیهم السلام به مشام ما برسد و این تحقیقات و تلاش‌های علمی و فعالیت‌های عملی در جهتی باشند که کسانی در جامعه اسلامی و شیعه تربیت بشوند که شباهت داشته باشند به کسانی که علی علیه السلام دوست می‌دارند.

وَقَفْنَا لِلَّهِ وَإِيَّاكُمْ لِمَا يُحِبُّ وَيَرْضَىٰ وَ
جَعَلْنَا مِنَ شِيعَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ وَ مُحِبِّهِمْ
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ / م





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی